Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

A Comparative Study and Analysis of the Structure of Warranty Against Defects and Price Reduction in Egyptian and Iranian Law

1. Hasan Mehrabi: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Davood Nasiran*: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Email: dawoodnassiran1358@iau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Ahmad Mohamadi: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

ABSTRACT

Warranty against defects is one of the most significant institutions of contract law, designed to protect the buyer against a reduction in the value or utility of the subject matter and to preserve the economic balance of the contractual exchange. In Iranian law, this institution is primarily regulated through the option for defect and the right to claim arsh. Arsh enables the buyer to retain the defective subject matter without rescinding the contract while receiving compensation for the diminution in value caused by the defect. Nevertheless, the structural dependence of arsh on the option for defect and continuing disagreements concerning its legal nature, including whether it constitutes restitution of part of the price, compensation, or a mechanism for restoring commutative balance, have limited the clarity of its scope and effects. By contrast, Egyptian law regulates warranty against defects within a broader framework of the seller's contractual obligations and remedies for defective performance, recognizing price reduction as a mechanism for preserving the contract and restoring its economic equilibrium. Using a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study examines the foundations, requirements, and legal consequences of warranty against defects as well as the structure of arsh and price reduction in the two legal systems. The findings indicate that both mechanisms serve the common function of compensating for the diminished value of the contractual subject matter and reducing unnecessary reliance on rescission. However, price reduction in Egyptian law has a clearer relationship with the general system of contractual remedies and supplementary damages, whereas arsh in Iranian law remains largely confined to the traditional structure of the option for defect. The study concludes that reconstructing arsh as a mechanism for compensating measurable diminution in contractual value or utility, while distinguishing it from consequential damages and establishing clearer valuation criteria, could enhance the coherence of Iranian contract law and strengthen the preservation of contractual relationships.

Keywords: *Warranty Against Defects, Arsh, Price Reduction, Option for Defect, Contractual Balance, Iranian Law, Egyptian Law, Compensation*

How to cite: Mehrabi, H., Nasiran, D., & Mohamadi, A. (2027). A Comparative Study and Analysis of the Structure of Warranty Against Defects and Price Reduction in Egyptian and Iranian Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *9*(5), 1-22.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 04 May 2026
Revise Date: 04 October 2026
Accept Date: 11 October 2026
Initial Publish Date: 04 November 2026
Final Publish Date: 22 December 2027

پژوهش‌های تطبیقی فقه،
حقوق و سیاست

مطالعه تطبیقی و تبیین ساختار ضمان عیب و تقلیل ثمن در حقوق مصر و ایران

۱. حسن مهرابی: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
۲. داود نصیران*: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. پست الکترونیک: dawoodnassiran1358@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. احمد محمدی: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

ضمان عیب یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق قراردادهاست که با هدف حمایت از خریدار در برابر کاهش ارزش یا منفعت مورد معامله و حفظ تعادل اقتصادی قرارداد شکل گرفته است. در حقوق ایران، این نهاد عمدتاً در قالب خیار عیب و حق مطالبه ارش تنظیم شده است. ارش به خریدار امکان می‌دهد بدون فسخ قرارداد، مبیع معیوب را نگه داشته و کاهش ارزش ناشی از عیب را جبران کند. با این حال، وابستگی ساختاری ارش به خیار عیب و اختلاف‌نظر درباره ماهیت حقوقی آن، از جمله اینکه ارش بخشی از ثمن، غرامت یا ابزار بازگرداندن تعادل معاوضی است، موجب محدودیت در تبیین قلمرو و آثار آن شده است. در مقابل، حقوق مصر ضمان عیب را در چهارچوب گسترده‌تری از تعهدات فروشنده و جبران اجرای معیوب قرارداد تنظیم کرده و تقلیل ثمن را به‌عنوان یکی از ابزارهای حفظ قرارداد و بازسازی تعادل اقتصادی شناسایی می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، مبانی، شرایط تحقق و آثار ضمان عیب و نیز ساختار ارش و تقلیل ثمن را در دو نظام حقوقی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نهاد از حیث کارکرد، در جهت جبران کاهش ارزش موضوع معامله و جلوگیری از توسل غیرضروری به فسخ عمل می‌کنند، اما تقلیل ثمن در حقوق مصر پیوند روشن‌تری با نظام عمومی ضمانت‌اجراهای قراردادی و خسارات تکمیلی دارد. در مقابل، ارش در حقوق ایران همچنان در چهارچوب سنتی خیار عیب باقی مانده است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که بازخوانی ارش به‌عنوان سازوکاری برای جبران کاهش قابل سنجش ارزش یا منفعت موضوع قرارداد، همراه با تفکیک آن از خسارات تبعی و تعیین معیارهای روشن ارزیابی، می‌تواند انسجام حقوق قراردادهای ایران را افزایش دهد و امکان حفظ مؤثرتر قرارداد را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: *ضمان عیب، ارش، تقلیل ثمن، خیار عیب، تعادل قراردادی، حقوق ایران، حقوق مصر، جبران خسارت*

نحوه استناددهی: مهرابی، حسن.، نصیران، داود.، و محمدی، احمد. (۱۴۰۶). مطالعه تطبیقی و تبیین ساختار ضمان عیب و تقلیل ثمن در حقوق مصر و ایران. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۹(۵)، ۲۲-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

مقدمه

قراردادهای معاوضی بر این پیش‌فرض بنیادین استوارند که هر یک از طرفین، در برابر آنچه واگذار می‌کند، عوضی را دریافت نماید که از حیث اوصاف، کارکرد و ارزش اقتصادی با آنچه در زمان انعقاد قرارداد مورد انتظار بوده است انطباق نسبی داشته باشد. هرگاه موضوع معامله واجد عیبی باشد که ارزش اقتصادی، قابلیت انتفاع یا مطلوبیت متعارف آن را کاهش دهد، تعادل مورد انتظار طرفین برهم می‌خورد و نظام حقوق قراردادها ناگزیر باید برای بازگرداندن این تعادل یا پایان دادن به رابطه قراردادی، ضمانت‌اجرای مناسبی پیش‌بینی کند. در نظام حقوقی ایران، مهم‌ترین سازوکار سنتی مقابله با چنین وضعیتی «خیار عیب» و در کنار آن «ارش» است. ارش به خریدار اجازه می‌دهد به جای برهم زدن معامله، مبیع معیوب را نگه داشته و تفاوت ناشی از کاهش ارزش آن را دریافت کند. با این حال، ساختمان قانونی ارش در قانون مدنی ایران به‌گونه‌ای شکل گرفته است که این نهاد عمدتاً به عنوان اثری خاص از خیار عیب و نه به‌مثابه یک ابزار مستقل برای بازگرداندن تعادل قرارداد تحلیل می‌شود. این وضعیت سبب شده است که در ادبیات حقوقی ایران همچنان درباره ماهیت ارش، مبنای استحقاق آن، رابطه آن با ثمن، خسارت و ضمان معاوضی، و امکان توسعه قلمرو آن اختلاف نظر وجود داشته باشد. کاتوزیان در تحلیل نظام خیارات و ضمانت‌اجراهای قراردادی، پیوند ارش با خیار عیب را در چهارچوب نظام سنتی قانون مدنی مورد توجه قرار داده و نشان داده است که ساختار موجود قانون مدنی بر جدایی میان ضمانت‌اجراهای خاص و قواعد عمومی مسئولیت قراردادی استوار است (Katouzian, 2020b). از سوی دیگر، تحلیل عمومی قراردادها نشان می‌دهد که حفظ قرارداد در مواردی که امکان جبران اختلال اقتصادی بدون انحلال آن وجود دارد، می‌تواند با اصل لزوم و ثبات روابط قراردادی سازگارتر باشد (Katouzian, 2020a).

در ساختار قانون مدنی ایران، هرگاه پس از معامله معلوم شود که مبیع در هنگام عقد معیوب بوده است، مشتری در شرایط مقرر قانونی می‌تواند معامله را فسخ کند یا مبیع را با اخذ ارش نگه دارد. در واقع، ارش سازوکاری است که به جای بازگرداندن طرفین به وضعیت پیش از عقد، قرارداد را حفظ می‌کند و از طریق جبران کاهش ارزش مبیع، نوعی تعدیل اقتصادی در رابطه معاوضی ایجاد می‌نماید. همین ویژگی سبب شده است که ماهیت حقوقی آن محل اختلاف باشد. برخی تحلیل‌ها ارش را بخشی از ثمن می‌دانند که به علت فقدان وصف سلامت باید به مشتری بازگردانده شود، در حالی که دیدگاهی دیگر آن را نوعی غرامت یا جبران خسارت ناشی از نقص مورد معامله تلقی می‌کند. مطالعات فقهی و حقوقی درباره ماهیت ارش نیز نشان داده‌اند که محدود کردن آن به تصور سنتی «استرداد بخشی از ثمن» نمی‌تواند همه آثار و کارکردهای آن را توضیح دهد و باید به نقش آن در برقراری تعادل میان عوضین توجه کرد (Eskandari, 2022). موسوی نیز در مطالعه فقهی ـ حقوقی ارش، اختلاف دیدگاه‌ها درباره مبانی این نهاد و پیوند آن با خیار عیب را برجسته ساخته و نشان داده است که تحلیل ارش بدون تعیین رابطه میان سلامت مورد معامله، تعهد قراردادی و توازن اقتصادی عوضین کامل نخواهد بود (Mousavi, 2021). در تحلیل ماهیت جبران ناشی از نقص در قراردادهای معاوضی نیز این دیدگاه مطرح شده است که ارش را باید بیش از آنکه یک استثنای صرف بر قواعد عمومی دانست، ابزاری برای اصلاح نتیجه اقتصادی قرارداد تلقی کرد (Shams, 2020).

ابهام در ماهیت ارش، آثار عملی مهمی نیز به همراه دارد. اگر ارش صرفاً حقی استثنایی و وابسته به خیار عیب تلقی شود، امکان اعمال آن باید به مواردی محدود بماند که قانونگذار صراحتاً اجازه داده است؛ اما اگر ارش جلوه‌ای از جبران کاهش ارزش اقتصادی موضوع تعهد باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا نباید در سایر مواردی که موضوع قرارداد با وضعیت مورد توافق طرفین انطباق ندارد از سازوکاری مشابه استفاده کرد. عدم قطعیت در این زمینه می‌تواند بر امنیت معاملات و قابلیت پیش‌بینی نتایج دعاوی اثر منفی بگذارد. مطالعه آثار اقتصادی عدم

قطعیت در نهاد ارش نشان می‌دهد که فقدان معیارهای روشن درباره قلمرو و نحوه محاسبه آن، هزینه‌های قراردادی را افزایش داده و طرفین را در ارزیابی پیامدهای نقض یا معیوب بودن مورد معامله با دشواری مواجه می‌کند (Jafarimanesh, 2020). این مسئله در معاملات اموال سرمایه‌ای و قراردادهایی که ارزش موضوع معامله قابل توجه است اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا تعیین میزان کاهش ارزش معمولاً به ارزیابی کارشناسی وابسته است و تفاوت میان ارزیابی‌های کارشناسان می‌تواند به عدم وحدت در نتایج قضایی منجر شود (Mirzaei, 2021). نقش کارشناس و اختیار دادگاه در تعیین میزان زیان ناشی از عیب نیز نشان می‌دهد که ارش، برخلاف تصویری که آن را صرفاً یک عملیات حسابی می‌داند، دارای ابعاد ارزیابی قضایی و اقتصادی قابل توجهی است (Ghasemi, 2021).

در مقابل، حقوق مصر نظام ضمان عیب را در قالب ساختاری نسبتاً گسترده‌تر سامان داده است. قانون مدنی مصر ضمن شناسایی مسئولیت فروشنده در برابر عیوب پنهان و مؤثر، راهکارهایی را برای حمایت از خریدار در صورت عدم انطباق وضعیت واقعی مبیع با انتظارات مشروع قراردادی فراهم می‌آورد. در این نظام، تقلیل ثمن یکی از راهکارهایی است که به خریدار امکان می‌دهد بدون ضرورت انحلال قرارداد، کاهش ارزش ناشی از عیب را بر رابطه مالی طرفین منعکس سازد. بررسی قانون مدنی مصر نشان داده است که مقررات ضمان عیب را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از قواعد پراکنده درباره فسخ دانست؛ بلکه این مقررات بخشی از نظام عام‌تر ضمانت‌های قراردادی محسوب می‌شوند (El-Hefny, 2021). تحول حقوق قراردادهای مصر نیز حرکت تدریجی از ضمان‌های سنتی به سوی تأکید بیشتر بر تعادل قراردادی، حسن نیت و جبران متناسب را نشان می‌دهد (Mansour, 2021). در این رویکرد، تقلیل ثمن در بسیاری از موارد جایگزینی میان‌مدار برای دو وضعیت افراطی «اجرای قرارداد بدون جبران» و «فسخ کامل قرارداد» فراهم می‌کند.

ضمان عیب در حقوق مصر با مفاهیمی چون حسن نیت، تعهد فروشنده به افشای عیوب، حمایت از اعتماد مشروع خریدار و عدالت معاوضی ارتباط نزدیک دارد. تحلیل تأثیر حسن نیت بر تعهدات ضمان در قراردادهای تجاری مصر نشان می‌دهد که انتظار می‌رود فروشنده اطلاعات مؤثر درباره وضعیت مبیع را پنهان نکند و اجرای حقوق ناشی از ضمان نیز در پرتو رفتار منصفانه طرفین ارزیابی شود (Badawi, 2022). از این منظر، عیب تنها یک نقص فیزیکی نیست، بلکه می‌تواند نشان‌دهنده عدم تحقق کیفیت یا کارکردی باشد که خریدار به نحو متعارف یا بر اساس اطلاعات ارائه‌شده از سوی فروشنده انتظار داشته است. حق خریدار به دریافت اطلاعات و تکلیف فروشنده به افشای عیوب، به‌ویژه در معاملات پیچیده، یکی از مبانی تکامل مفهوم ضمان عیب در حقوق معاصر است (Omar, 2021). بدین ترتیب، هرچه مفهوم تعهدات اطلاعاتی و معیارهای حسن نیت توسعه پیدا کند، قلمرو مسئولیت فروشنده در برابر عیب نیز از چهارچوب سنتی نقص مادی فراتر می‌رود.

تقلیل ثمن از لحاظ سیاست حقوقی مزیتی اساسی دارد: به جای نابود کردن رابطه قراردادی، نتیجه اقتصادی آن را با وضعیت واقعی موضوع معامله سازگار می‌کند. مقایسه میان فسخ و تقلیل ثمن نشان می‌دهد که انتخاب ضمانت‌اجرا باید متناسب با شدت عیب، میزان اختلال در منفعت مورد انتظار خریدار و امکان ادامه رابطه قراردادی باشد (Hassan, 2022). در مواردی که عیب به اندازه‌ای اساسی نیست که هدف اصلی قرارداد را منتفی کند، فسخ ممکن است واکنشی بیش از حد شدید باشد؛ در مقابل، الزام خریدار به نگهداری مبیع بدون دریافت هیچ‌گونه جبران نیز عدالت معاوضی را مخدوش می‌کند. تقلیل ثمن راه‌حلی میانی فراهم می‌سازد که از یک سو اصل لزوم را حفظ می‌کند و از سوی دیگر کاهش منفعت اقتصادی خریدار را بدون انحلال قرارداد جبران می‌نماید. تحلیل اقتصادی این سازوکار نیز نشان می‌دهد که کاهش متناسب ثمن می‌تواند هزینه‌های ناشی از فسخ، استرداد موضوع معامله و انعقاد قرارداد جایگزین را کاهش دهد (Seidan, 2024).

مقایسه ارش در حقوق ایران و تقلیل ثمن در حقوق مصر از این جهت اهمیت دارد که هر دو نهاد ظاهراً هدف مشترکی را دنبال می‌کنند، اما در بسترهای نظری و تقنینی متفاوتی توسعه یافته‌اند. مطالعه تطبیقی این دو نهاد نشان داده است که ارش در ایران همچنان پیوند نزدیک‌تری با ساختار خیار عیب دارد، در حالی که تقلیل ثمن در مصر بیشتر با نظام ضمانت‌های قراردادی و جبران عدم انطباق مورد معامله مرتبط شده است (El-Awadi, 2020). مقایسه کفایت ضمانت‌اجراها نیز نشان می‌دهد که تفاوت میان این دو نظام صرفاً در اصطلاحات نیست، بلکه در نحوه ارتباط راهکار کاهش ثمن با فسخ، خسارت و مسئولیت قراردادی تفاوت‌های مهمی مشاهده می‌شود (Khaleel, 2020). در حقوق مصر، تحول رویه قضایی نیز موجب شده است که نهادهای سنتی ضمان عیب در جهت حمایت مؤثرتر از تعادل قرارداد تفسیر شوند (Haleeb, 2025). همچنین مطالعات جدیدتر بر ضرورت پیوند میان ضمانت‌اجراهای خاص کالاهای معیوب و قواعد عمومی مسئولیت قراردادی تأکید کرده‌اند و تفکیک سخت و مطلق میان این دو حوزه را با نیازهای معاملات معاصر ناسازگار دانسته‌اند (Farahmand & Kashefi, 2025).

این پژوهش تفاوت اصلی دو نظام را در همین سطح ساختاری جست‌وجو کرده و نظام ایران را بیشتر متکی به پیوند سنتی ارش و خیار عیب و نظام مصر را دارای ظرفیت گسترده‌تری برای تحلیل تقلیل ثمن در چهارچوب تعادل قراردادی معرفی کرده است. بر همین اساس، مسئله اصلی مقاله حاضر آن است که ساختار ضمان عیب و آثار اقتصادی آن در حقوق ایران و مصر چگونه سازمان یافته و تقلیل ثمن در حقوق مصر تا چه اندازه می‌تواند مبنایی برای بازخوانی جایگاه ارش در حقوق ایران فراهم آورد. هدف پژوهش، تبیین تطبیقی مبانی، شرایط و آثار ضمان عیب در دو نظام و ارزیابی ظرفیت یک الگوی منسجم‌تر برای حفظ قرارداد و بازگرداندن تعادل اقتصادی میان عوضین است. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی است و با تمرکز بر قواعد حقوق مدنی ایران و مصر، مبانی فقهی مرتبط و دیدگاه‌های حقوقی دو نظام، تفاوت‌های ساختاری میان ارش و تقلیل ثمن بررسی می‌شود.

مبانی و ساختار ضمان عیب در حقوق ایران

ضمان عیب در حقوق ایران در پیوندی مستقیم با نظریه خیارات و به‌ویژه خیار عیب شکل گرفته است. قانون مدنی ایران با الهام از فقه امامیه، وجود عیب در مورد معامله را در شرایط معین سبب ایجاد حق برای شخص زیان‌دیده می‌داند تا میان برهم زدن قرارداد و نگهداری مورد معامله با دریافت ارش یکی را برگزیند. این ساختار از حیث تاریخی متأثر از این تصور است که اصل، لزوم قرارداد است و حق فسخ در مواردی که قانون یا توافق طرفین اجازه می‌دهد به صورت استثنایی ایجاد می‌شود. با این حال، خیار عیب از سایر خیارات متمایز است؛ زیرا در کنار حق فسخ، ضمانت‌اجرای دیگری را نیز در اختیار خریدار قرار می‌دهد که هدف آن حفظ قرارداد و اصلاح عدم تعادل اقتصادی ناشی از معیوب بودن مبیع است. تحلیل احکام قانون مدنی در نظم کنونی نشان می‌دهد که مواد مربوط به خیار عیب مجموعه‌ای از قواعد خاص را تشکیل می‌دهند که حق فسخ، ارش، موارد سقوط هر یک و شیوه تعیین میزان ارش را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند (Katouzian, 2020b). به همین دلیل، ارش را نمی‌توان صرفاً نتیجه فرعی حق فسخ دانست؛ زیرا مشتری در فرض وجود شرایط قانونی می‌تواند مستقل از اعمال فسخ، عقد را نگه دارد و ارش بخواهد.

درک ساختار ضمان عیب مستلزم تبیین مفهوم «عیب» است. در منطق حقوقی و فقهی، هر تفاوتی میان وضعیت واقعی مال و تصور ذهنی خریدار لزوماً عیب محسوب نمی‌شود؛ بلکه نقص باید به‌گونه‌ای باشد که بر ارزش اقتصادی، منفعت متعارف یا کارکرد مورد انتظار مال اثر بگذارد. در نظام قانون مدنی، تشخیص عیب با توجه به عرف و عادت صورت می‌گیرد و ماهیتی وابسته به زمان، مکان و نوع معامله دارد.

بنابراین، ممکن است ویژگی‌ای در یک نوع مال عیب تلقی شود و همان ویژگی در مال دیگری فاقد چنین اثری باشد. این وابستگی به عرف، نشان می‌دهد که مفهوم عیب مفهومی کاملاً ثابت و انتزاعی نیست، بلکه با انتظارات متعارف بازار و کارکرد اقتصادی موضوع قرارداد پیوند دارد. تحلیل‌های فقهی ـ حقوقی ارش نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که عیب زمانی اهمیت قراردادی پیدا می‌کند که تفاوتی قابل اعتنا میان ارزش یا مطلوبیت مورد معامله سالم و مورد معامله موجود ایجاد کند (Mousavi, 2021). این امر مبنای ارتباط میان وجود عیب و استحقاق ارش را روشن می‌سازد، زیرا ارش دقیقاً در نقطه‌ای مطرح می‌شود که نقص مورد معامله به کاهش ارزش اقتصادی منتهی شده باشد.

از حیث زمانی نیز عیبی که ضمان فروشنده را ایجاد می‌کند باید با مرحله انتقال یا تسلیم ارتباط حقوقی داشته باشد. مبنای ضمان آن است که فروشنده مالی را منتقل کرده است که در زمان مربوط به اجرای تعهد، فاقد کیفیت و سلامت مورد انتظار بوده است. قانون مدنی ایران در تنظیم این رابطه، میان عیب موجود در هنگام عقد و برخی عیوب حادث تا پیش از قبض یا در مدت معین تمایزهایی قائل شده است. منطق اساسی این قواعد آن است که ریسک عیب باید به طرفی نسبت داده شود که بر اساس ساختار قرارداد، مسئول سلامت مورد معامله در زمان مربوط بوده است. این مسئله نشان می‌دهد که ضمان عیب صرفاً مبتنی بر تقصیر فروشنده نیست. ممکن است فروشنده از وجود عیب اطلاع نداشته باشد، اما خریدار همچنان از ضمانت‌اجراهای ناشی از عیب برخوردار باشد. چنین ساختاری به مفهوم ضمان معاوضی نزدیک‌تر است تا مسئولیت مبتنی بر خطا؛ زیرا منشأ مسئولیت، عدم تحقق وضعیت مورد انتظار موضوع معامله است، نه لزوماً رفتار سرزنش‌پذیر فروشنده. در نظریه عمومی قراردادها نیز تمایز میان ضمان معاوضی و مسئولیت ناشی از تقصیر برای تبیین بسیاری از ضمانت‌اجراهای قراردادی اهمیت اساسی دارد (Katouzian, 2020a).

یکی از شروط مهم اعمال خیار عیب، جهل خریدار نسبت به عیب در هنگام انعقاد قرارداد است. اگر خریدار با علم به نقص مال آن را خریداری کند، فرض بر آن است که عیب را در ارزیابی اقتصادی خود وارد کرده و قرارداد را با همان وضعیت پذیرفته است. در چنین حالتی، اعطای حق فسخ یا ارش می‌تواند برخلاف ثبات قرارداد و اراده آگاهانه طرفین باشد. اما اگر عیب پنهان بوده و خریدار امکان متعارفی برای آگاهی از آن نداشته باشد، مبنای حمایت حقوقی تقویت می‌شود. اهمیت علم و جهل خریدار به عیب با نظریه تعهد به اطلاع‌رسانی نیز ارتباط دارد. در حقوق معاصر، انتظار از فروشنده به‌ویژه در قراردادهایی که دارای عدم تقارن اطلاعاتی هستند، فراتر از خودداری از فریب مستقیم است و می‌تواند شامل افشای عیوب مهمی باشد که فروشنده از آنها اطلاع دارد (Omar, 2021). اگرچه نظام ایران هنوز این بحث را عمدتاً در قالب قواعد سنتی عیب و تدلیس تحلیل می‌کند، گسترش اهمیت اطلاعات در معاملات نشان می‌دهد که رابطه میان عیب پنهان و تعهد فروشنده به افشا قابلیت بازخوانی دارد.

مهم‌ترین ویژگی ساختار ایرانی ضمان عیب، تخییر مشتری میان فسخ و اخذ ارش است. فسخ با انحلال رابطه قراردادی، طرفین را تا حد امکان به وضعیت پیشین بازمی‌گرداند؛ اما ارش قرارداد را باقی می‌گذارد و تنها نتیجه مالی آن را اصلاح می‌کند. از منظر اقتصادی، این تفاوت بسیار مهم است. ممکن است مبیع با وجود عیب همچنان برای خریدار مفید باشد و هزینه یافتن جانشین برای آن بیش از زیان ناشی از خود عیب باشد. در چنین شرایطی، فسخ الزاماً کارآمدترین واکنش نیست. ارش به خریدار اجازه می‌دهد مال را حفظ کند و بخشی از عدم تعادل ارزش را جبران نماید. تحلیل‌های معاصر درباره ماهیت جبران کاهش ارزش در قراردادهای معاوضی نیز این کارکرد را مؤید آن می‌دانند که ارش را باید به عنوان ابزاری برای بازسازی تعادل اقتصادی قرارداد مورد توجه قرار داد (Shams, 2020). از این منظر، مزیت اساسی ارش در

مقایسه با فسخ، حفظ سرمایه‌گذاری انجام‌شده در قرارداد، کاهش هزینه‌های مبادله و جلوگیری از انحلال رابطه‌ای است که هنوز می‌تواند برای طرفین مطلوب باشد.

با وجود این، ماهیت حقوقی ارش همچنان محل اختلاف است. بر اساس یک تحلیل سنتی، ارش بخشی از ثمن است که به دلیل فقدان وصف سلامت باید به خریدار مسترد شود. این دیدگاه به نحوه محاسبه ارش و ارتباط آن با تفاوت قیمت مال سالم و معیوب توجه دارد. در مقابل، گروهی ارش را غرامتی برای زیان ناشی از عیب می‌دانند و بر این باورند که کارکرد واقعی آن جبران کاهش ارزش دریافتی خریدار است. بررسی تطبیقی ماهیت ارش در فقه امامیه و نظام‌های حقوقی نشان داده است که هیچ‌یک از این دو توصیف به تنهایی تمام ویژگی‌های ارش را توضیح نمی‌دهد (Eskandari, 2022). اگر ارش صرفاً استرداد بخشی از ثمن باشد، باید توضیح داده شود که چرا میزان آن بر اساس نسبت ارزش مال سالم و معیوب محاسبه می‌شود، نه لزوماً به صورت معادل دقیق بخشی از ثمن که فرضاً در برابر وصف سلامت قرار داشته است. اگر نیز ارش صرفاً خسارت باشد، باید رابطه آن با قواعد عمومی اثبات ضرر، تقصیر و قابلیت پیش‌بینی زیان روشن شود. همین دشواری‌ها سبب شده است که برخی تحلیل‌ها ماهیت ارش را به اجرای ناقص تعهد یا بازگرداندن توازن قراردادی نزدیک بدانند.

قانون مدنی برای محاسبه ارش از سازوکاری نسبی استفاده می‌کند. در این روش، ابتدا قیمت واقعی مال در دو حالت سالم و معیوب سنجیده می‌شود و نسبت کاهش ارزش مشخص می‌گردد؛ سپس همین نسبت نسبت به ثمن قراردادی اعمال می‌شود. اهمیت این روش در آن است که ارش لزوماً برابر تفاوت مطلق ارزش بازاری مال سالم و معیوب نیست. به بیان دیگر، اگر طرفین مالی را با قیمتی متفاوت از ارزش متعارف بازار معامله کرده باشند، فرمول ارش باید نسبت توافق قراردادی را نیز حفظ کند. این امر نشان‌دهنده تلاش قانونگذار برای جمع میان اراده طرفین درباره ثمن و ضرورت جبران کاهش ارزش ناشی از عیب است. با این حال، اجرای عملی این روش وابسته به ارزیابی کارشناسی است. تعیین قیمت فرضی مال سالم و معیوب، به‌ویژه در کالاهای تخصصی، تجهیزات صنعتی یا اموال دارای نوسانات شدید قیمت، می‌تواند دشوار باشد. نقش کارشناسی و اختیار قضایی در تعیین خسارات ناشی از عیب از همین جهت اهمیت پیدا می‌کند (Ghasemi, 2021). اختلاف در زمان ارزیابی، معیارهای بازار، میزان تأثیر عیب و هزینه تعمیر می‌تواند نتایج متفاوتی ایجاد کند و همین امر ضرورت توسعه معیارهای روشن‌تر قضایی را آشکار می‌سازد (Mirzaei, 2021).

وابستگی ارش به ساختار خاص خیار عیب، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های حقوق ایران است. قانون مدنی در موارد دیگری مانند تخلف وصف یا تخلف از شرط نیز با وضعیت‌هایی مواجه است که مورد معامله یا اجرای تعهد با انتظار قراردادی طرف مقابل انطباق ندارد، اما همیشه امکان کاهش متناسب ثمن را به عنوان ضمانت‌اجرای مستقل پیش‌بینی نکرده است. در نتیجه ممکن است شخص زیان‌دیده میان فسخ و حفظ قرارداد بدون جبران مناسب قرار گیرد. چنین دوگانه‌ای در همه موارد با اصل تناسب ضمانت‌اجرا و شدت نقض سازگار نیست. مطالعه آثار اقتصادی ابهام در نهاد ارش نشان داده است که محدودیت قلمرو و عدم قطعیت درباره قابلیت توسعه آن می‌تواند قابلیت پیش‌بینی معاملات را کاهش دهد (Jafarimanesh, 2020). همچنین تحلیل تطبیقی ایران و مصر نشان می‌دهد که تفاوت اصلی میان دو نظام در همین میزان استقلال نهاد کاهش ثمن از ساختار سنتی خیار قرار دارد (El-Awadi, 2020).

مسئله دیگری که در تحلیل ضمان عیب اهمیت دارد، رابطه ارش با اصل لزوم قراردادهاست. در نگاه نخست ممکن است تصور شود اعطای حق کاهش ثمن مداخله‌ای در مفاد توافق و در نتیجه خلاف اصل لزوم است، اما می‌توان استدلال کرد که هدف ارش نه تغییر قرارداد، بلکه اجرای آن بر اساس تعادلی است که طرفین در زمان انعقاد عقد مفروض گرفته‌اند. اگر مشتری ثمنی را برای مالی با سطح معینی از سلامت و

کارایی پرداخته باشد و مالی با ارزش کمتر دریافت کند، الزام او به پرداخت کامل ثمن بدون امکان جبران، در واقع نتیجه‌ای متفاوت از تعادل مورد انتظار قرارداد ایجاد می‌کند. ابزارهای تعدیل قرارداد در حقوق ایران و مصر نیز از این جهت مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌توانند بدون از بین بردن نیروی الزام‌آور عقد، نتیجه اقتصادی آن را با وضعیت واقعی منطبق کنند (Mir Mohammad Sadeghi, 2020). ارش را نیز می‌توان در همین منطق تحلیل کرد: حفظ اصل قرارداد همراه با تعدیل مالی محدود و متناسب.

در برخی موارد، حق فسخ به دلایل قانونی یا مادی قابل اعمال نیست و ارش به تنها راه جبران تبدیل می‌شود. این وضعیت به‌خوبی نشان می‌دهد که ارش صرفاً امتیازی تبعی و کم‌اهمیت در کنار فسخ نیست. اگر مبیع دچار تغییر شده، منتقل گردیده یا امکان استرداد عین وجود نداشته باشد، ممکن است حفظ قرارداد و جبران مالی تنها راه‌حل واقع‌بینانه باشد. از این رو، سیاست حقوقی نهفته در ارش فراتر از اعطای حق انتخاب ساده به مشتری است و به ضرورت سازگاری ضمانت‌اجرا با امکان عملی اعاده وضعیت سابق مربوط می‌شود. مطالعه تطبیقی کفایت ارش و تقلیل ثمن نیز نشان داده است که هرچه نظام حقوقی امکان استفاده انعطاف‌پذیرتر از جبران کاهش ارزش را فراهم کند، نیاز به توسل به فسخ در مواردی که انحلال قرارداد ضرورت واقعی ندارد کاهش می‌یابد (Khaleel, 2020).

از سوی دیگر، باید میان ارش و خسارات تکمیلی تمایز گذاشت. عیب ممکن است علاوه بر کاهش ارزش خود مبیع، زیان‌های دیگری نیز به خریدار وارد کند؛ برای مثال، توقف فعالیت تجاری، هزینه تعمیر، هزینه جایگزینی موقت یا خسارت به اموال دیگر. ارش، به دلیل تمرکز بر تفاوت ارزش موضوع معامله، الزاماً همه این زیان‌ها را پوشش نمی‌دهد. این مسئله نشان می‌دهد که نظام مطلوب ضمان عیب باید رابطه روشنی میان ارش و قواعد عمومی مسئولیت قراردادی برقرار سازد. انتقادهای جدید از ساختار ضمانت‌اجراهای کالای معیوب بر همین جدایی میان نهاد خاص ارش و نظام عمومی خسارت تأکید کرده‌اند و خواستار انسجام بیشتر میان این دو حوزه شده‌اند (Farahmand & Kashefi, 2025). در حقوق ایران، پذیرش چنین ارتباطی به معنای از بین بردن ماهیت ویژه ارش نیست؛ بلکه می‌تواند مرز میان جبران کاهش ارزش مبیع و جبران خسارات تبعی را روشن کند.

از مجموع ساختار حقوق ایران می‌توان دریافت که ضمان عیب بر یک الگوی دوگانه استوار است: از یک سو، حق فسخ برای پایان دادن به رابطه‌ای که عیب آن را برای خریدار نامطلوب ساخته است و از سوی دیگر، حق ارش برای حفظ رابطه همراه با جبران نسبی کاهش ارزش. با این حال، بخش دوم این الگو از نظر نظری کمتر توسعه یافته و همچنان تحت تأثیر ماهیت استثنایی خیار عیب قرار دارد. این پژوهش نیز همین مسئله را یکی از محورهای اصلی نقد ساختار حقوق ایران دانسته و بر ظرفیت بازخوانی ارش در چهارچوب تعادل قراردادی تأکید کرده است. بنابراین، مسئله اساسی نه حذف ساختار سنتی خیار عیب، بلکه بازتعریف جایگاه ارش درون نظام گسترده‌تر ضمانت‌اجراهای قراردادی است؛ تحولی که می‌تواند با حفظ مبانی قانون مدنی، انسجام بیشتری میان حفظ قرارداد، جبران کاهش ارزش و مسئولیت قراردادی ایجاد کند.

ساختار ضمان عیب و تقلیل ثمن در حقوق مصر

نظام ضمان عیب در حقوق مصر نتیجه تلفیق چند منبع و سنت حقوقی است. از یک سو، فقه اسلامی در شکل‌گیری مفاهیم مربوط به ضمان سلامت مبیع، مسئولیت فروشنده و حقوق خریدار در برابر عیب تأثیر تاریخی داشته و از سوی دیگر، حقوق مدنی فرانسه و اندیشه تقنینی مدرن در تدوین قانون مدنی مصر نقش مهمی ایفا کرده است. همین ترکیب سبب شده است که ضمان عیب در حقوق مصر ضمن حفظ پیوند با مفاهیم سنتی، در چهارچوب وسیع‌تری از مسئولیت قراردادی و تعادل معاوضی تحلیل شود. بررسی تحولات ضمانت‌اجراهای قراردادی در

مصر نشان می‌دهد که گذار از نگاه کاملاً سنتی به ضمان به سوی مدل مبتنی بر تعادل و جبران متناسب، یکی از ویژگی‌های توسعه حقوق قراردادهای این کشور بوده است (Mansour, 2021). قانون مدنی مصر نیز ضمان عیب را به عنوان بخشی از تعهدات فروشنده مورد شناسایی قرار داده و شرایط و آثار آن را در قالب قواعد نسبتاً منسجمی تنظیم کرده است (El-Hefny, 2021). در این ساختار، سلامت و قابلیت انتفاع مبیع بخشی از محتوای اقتصادی تعهد فروشنده تلقی می‌شود و اگر مبیع با نقصی مواجه باشد که ارزش یا منفعت آن را کاهش دهد، خریدار از ابزارهایی برای اصلاح این عدم تعادل برخوردار خواهد بود.

یکی از ویژگی‌های نظام مصر آن است که ضمان عیب صرفاً به رفتار مقصرانه فروشنده وابسته نیست. مسئولیت ممکن است حتی در صورتی تحقق یابد که فروشنده شخصاً از عیب آگاه نبوده باشد، زیرا مبنای اصلی آن تحویل مالی است که از حیث وضعیت مورد انتظار با قرارداد انطباق ندارد. این رویکرد میان مسئولیت ناشی از عیب و مسئولیت ناشی از تقصیر تمایز ایجاد می‌کند. در عین حال، آگاهی فروشنده از عیب می‌تواند بر دامنه مسئولیت او، امکان استناد به شروط محدودکننده مسئولیت و مطالبه خسارات بیشتر اثر بگذارد. پژوهش درباره هماهنگی خطای قراردادی و مسئولیت مدنی در رویه مصر نشان داده است که دادگاه‌ها در برخی موارد میان ضمان عینی ناشی از عدم انطباق موضوع معامله و مسئولیت شدیدتر ناشی از رفتار تقصیرآمیز فروشنده تمایز قائل می‌شوند (El-Dahshan, 2023). از این رو، ساختار ضمان عیب در مصر را می‌توان دارای دو سطح دانست: سطح نخست مربوط به جبران اختلال ذاتی در تعادل معامله و سطح دوم مربوط به آثار اضافی ناشی از رفتار قابل سرزنش فروشنده.

در حقوق مصر، تحقق ضمان عیب اصولاً مستلزم آن است که عیب دارای ویژگی‌هایی مشخص باشد. یکی از مهم‌ترین شرایط، قدیم بودن عیب است؛ به این معنا که منشأ عیب باید در زمانی وجود داشته باشد که مسئولیت خطر هنوز بر عهده فروشنده قرار داشته است. این شرط به توزیع ریسک میان طرفین مرتبط است. فروشنده نمی‌تواند مسئول هر نقصی باشد که پس از انتقال صحیح مال و در نتیجه استفاده نادرست یا عوامل خارجی ایجاد شده است. در مقابل، اگر نقص در مرحله‌ای وجود داشته که فروشنده مسئول سلامت موضوع معامله بوده است، ضمان می‌تواند تحقق یابد حتی اگر آثار عیب بعداً آشکار شود. مقررات جامع ضمان عیب در قانون مدنی مصر دقیقاً با هدف تعیین چنین مرزهایی میان ریسک فروشنده و خریدار تنظیم شده‌اند (Fahmy, 2024). این ویژگی، نظام ضمان عیب را به ابزاری برای توزیع منصفانه ریسک قراردادی تبدیل می‌کند.

شرط دیگر، پنهان بودن عیب است. اگر عیب برای خریدار آشکار بوده یا خریدار با بررسی متعارف می‌توانسته به آسانی آن را تشخیص دهد، اصل بر این است که پذیرش معامله با علم یا امکان آگاهی از نقص، دامنه حمایت وی را کاهش می‌دهد. با این حال، معیار پنهان بودن عیب نباید صرفاً به معنای نامرئی بودن فیزیکی آن تلقی شود. در معاملات تخصصی ممکن است عیب از نظر ظاهری مشاهده شود اما تشخیص اهمیت فنی آن نیازمند تخصص باشد. همچنین فروشنده ممکن است با ارائه اطلاعات ناقص یا اطمینان‌بخشی نادرست، مانع ارزیابی دقیق خریدار شود. از این جهت، رابطه میان عیب پنهان و تعهد فروشنده به افشا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مطالعه حق خریدار به اطلاعات در برابر تکلیف فروشنده به افشای عیب نشان می‌دهد که معیارهای مدرن ضمان، توجه روزافزونی به عدم تقارن اطلاعاتی و اعتماد مشروع خریدار دارند (Omar, 2021). این تحول، به‌ویژه در معاملات حرفه‌ای و مصرفی، سبب می‌شود مفهوم پنهان بودن عیب با رفتار اطلاعاتی فروشنده نیز سنجیده شود.

عیب باید علاوه بر قدیم و پنهان بودن، مؤثر نیز باشد. نقصی که تأثیر ناچیزی بر ارزش، استفاده یا هدف معامله دارد، معمولاً نباید همان ضمانت‌اجراهایی را ایجاد کند که برای عیوب اساسی در نظر گرفته شده است. معیار مؤثر بودن، ارتباط مستقیم با اصل تناسب دارد. هرچه عیب شدیدتر باشد و استفاده مورد انتظار از کالا را بیشتر مختل کند، توجیه توسل به ضمانت‌اجرای شدیدتری مانند فسخ بیشتر خواهد بود. در مقابل، اگر نقص تنها موجب کاهش محدود ارزش شود، تقلیل ثمن راهکاری متناسب‌تر است. بررسی تطبیقی فسخ و کاهش ثمن نیز نشان می‌دهد که حقوق مدنی مدرن به سمت هماهنگ کردن شدت ضمانت‌اجرا با شدت عدم انطباق حرکت کرده است (Hassan, 2022). بدین ترتیب، نظام ضمان عیب تنها پاسخ «وجود یا عدم وجود» ارائه نمی‌دهد، بلکه باید درجه و اثر اقتصادی عیب را نیز در انتخاب ضمانت‌اجرا در نظر گیرد.

تقلیل ثمن در این ساختار جایگاهی اساسی دارد. کارکرد آن این است که بدون انحلال قرارداد، مقدار ثمن یا بار اقتصادی معامله با ارزش واقعی کالای معیوب هماهنگ شود. اگر خریدار هنوز به مبیع نیاز داشته باشد و عیب هدف اساسی او را از معامله منتفی نکرده باشد، تقلیل ثمن به او اجازه می‌دهد قرارداد را حفظ کند بدون آنکه ناچار باشد هزینه کالای سالم را برای کالایی با ارزش کمتر بپردازد. از این حیث، تقلیل ثمن ابزاری برای اجرای عدالت معاوضی است. مطالعات مربوط به مبانی اقتصادی تقلیل ثمن نشان داده‌اند که این راهکار می‌تواند از اتلاف منابع ناشی از فسخ جلوگیری کرده و در بسیاری از معاملات، هزینه جبران را برای هر دو طرف کاهش دهد (Seidan, 2024). همچنین مقایسه ارش در ایران و تقلیل ثمن در مصر نشان می‌دهد که حقوق مصر تمایل بیشتری به تحلیل کاهش ثمن به عنوان بخشی از ساختار عمومی ضمانت‌اجراهای قراردادی نشان داده است (Khaleel, 2020).

ماهیت حقوقی تقلیل ثمن نیز قابل بررسی است. از یک منظر، کاهش ثمن نوعی بازگرداندن بخشی از عوض پرداختی است، زیرا خریدار در برابر کالای دارای ارزش کمتر، نباید همان مبلغی را بپردازد که برای وضعیت سالم در نظر گرفته شده بود. از منظر دیگر، تقلیل ثمن را می‌توان شکلی از جبران خسارت دانست که میزان آن با کاهش ارزش موضوع معامله پیوند مستقیم دارد. با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که تقلیل ثمن الزاماً با مسئولیت خسارتی کلاسیک یکسان نیست. خریدار برای استفاده از این راهکار لزوماً نیازمند اثبات همه عناصر مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست؛ بلکه کافی است عدم انطباق موضوع معامله با وضعیت مورد انتظار و کاهش ارزش ناشی از آن اثبات شود. این ویژگی، تقلیل ثمن را به ضمانت‌اجرای ویژه اجرای ناقص تعهد نزدیک می‌کند. بررسی مقایسه‌ای ارش و ضمان در حقوق ایران و مصر نیز همین تمایز را برجسته کرده است (El-Awadi, 2020).

یکی از مزایای ساختار مصر، امکان تفکیک تقلیل ثمن از خسارات تکمیلی است. اگر عیب صرفاً موجب کاهش ارزش خود مبیع شده باشد، تقلیل ثمن می‌تواند جبران مناسبی فراهم کند؛ اما اگر عیب خسارات دیگری به خریدار وارد کرده باشد، موضوع مسئولیت قراردادی تکمیلی مطرح می‌شود. برای نمونه، ممکن است دستگاه معیوب نه تنها ارزش کمتری داشته باشد، بلکه موجب توقف تولید، آسیب به تجهیزات دیگر یا تحمیل هزینه‌های اضطراری شود. در چنین مواردی، کاهش ثمن تنها بخشی از زیان را پوشش می‌دهد. هماهنگی قواعد ضمان عیب با مسئولیت مدنی در حقوق مصر امکان تحلیل این زیان‌های اضافی را بر اساس مبانی عمومی فراهم می‌کند (El-Dahshan, 2023). همین ارتباط میان ضمانت‌اجرای خاص و خسارت عمومی از نقاطی است که می‌تواند در مقایسه با ساختار ایران اهمیت ویژه پیدا کند.

حسن نیت نیز در توسعه ضمان عیب مصر نقش فزاینده‌ای داشته است. فروشنده‌ای که از عیب اطلاع دارد و آن را پنهان می‌کند، در موقعیت متفاوتی از فروشنده‌ای قرار دارد که بدون تقصیر از نقص پنهان بی‌خبر بوده است. دکترین حسن نیت می‌تواند بر تفسیر تعهدات افشای

اطلاعات، اعتبار شروط محدودکننده ضمان و میزان جبران اثر بگذارد (Badawi, 2022). به همین دلیل، نظام ضمان عیب نه تنها به وضعیت فیزیکی مبیع، بلکه به نحوه رفتار طرفین در فرایند انعقاد و اجرای قرارداد نیز توجه دارد. این تحول موجب شده است که رویکرد سنتی ضمان، که صرفاً بر وجود نقص تمرکز داشت، به سوی مدلی حرکت کند که کیفیت رفتار قراردادی و حمایت از اعتماد مشروع را نیز در نظر می‌گیرد. رویه قضایی مصر در این تحول نقش مهمی ایفا کرده است. مطالعه تطبیقی اختیار قضایی در دعاوی عیوب پنهان ایران و مصر نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در تفسیر مفهوم عیب، اهمیت آن و مناسب بودن ضمانت‌اجرا از آزادی قابل توجهی برخوردارند (Taha, 2023). چنین اختیاری از یک سو انعطاف لازم برای رسیدگی به تنوع معاملات را فراهم می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند خطر عدم پیش‌بینی‌پذیری را ایجاد نماید. با این حال، تحول جدید رویه مصر به سمت استفاده از ضمانت‌اجراهای ترمیمی و متناسب حرکت کرده است (Haleeb, 2025). در این رویکرد، هدف تنها تعیین این نیست که آیا فروشنده مسئول است یا خیر، بلکه دادگاه باید راهکاری را برگزیند که تعادل از دست‌رفته قرارداد را با کمترین اخلال ضروری بازگرداند.

تقنین منسجم نیز در افزایش قابلیت پیش‌بینی نقش اساسی دارد. یکی از امتیازات ساختار حقوق مصر آن است که مقررات ضمان عیب در قالب مجموعه‌ای نسبتاً سازمان‌یافته از مواد قانونی قرار گرفته‌اند و همین امر امکان استخراج اصول مشترک را فراهم می‌کند. تحلیل نقش تقنین در پیش‌بینی‌پذیری حقوق قراردادهای مصر نشان داده است که تجمیع و نظام‌مند کردن قواعد ضمان، زمینه ثبات بیشتر در تصمیم‌گیری قضایی و برنامه‌ریزی قراردادی را ایجاد می‌کند (Metwally, 2020). البته صرف وجود مقررات کافی نیست و هماهنگی آنها با تحولات معاملات و رویه قضایی نیز ضروری است. از همین رو، مطالعات جدید بر بازخوانی مقررات سنتی ضمان عیب در پرتو عدالت جبرانی و نیازهای اقتصاد معاصر تأکید کرده‌اند (Fahmy, 2024).

تقلیل ثمن در حقوق مصر همچنین با نظریه منع دارا شدن بلاسبب ارتباط تحلیلی پیدا می‌کند. اگر فروشنده تمام ثمن مالی سالم را حفظ کند در حالی که مالی با ارزش کمتر تحویل داده است، می‌توان استدلال کرد که حفظ کامل مزیت مالی بدون اصلاح رابطه معاوضی با اصول عدالت قراردادی سازگار نیست. بررسی نقش نظریه استحقاق بلاسبب در شکل‌گیری سازوکارهای تقلیل ثمن در حقوق مصر نیز نشان داده است که جلوگیری از باقی ماندن منفعت نامتناسب نزد فروشنده یکی از توجیهات حقوقی این نهاد محسوب می‌شود (Safwat, 2019). البته مبنای اصلی تقلیل ثمن همچنان قراردادی است، اما نظریه منع دارا شدن بلاسبب می‌تواند در تبیین چرایی ضرورت بازگرداندن بخشی از ثمن نقش تکمیلی داشته باشد.

حقوق مصر در زمینه ضمان عیب همچنین از تجارب نظام‌های حقوقی دیگر، به‌ویژه حقوق فرانسه، تأثیر پذیرفته است. مطالعات تطبیقی ضمانت‌اجراهای کالاهای معیوب در مصر و فرانسه نشان می‌دهد که گرایش به حفظ قرارداد و اعطای راهکارهای متنوع به خریدار در هر دو نظام قابل مشاهده است (Saleh, 2019). این تنوع با ماهیت معاملات معاصر سازگار است، زیرا یک ضمانت‌اجرای واحد نمی‌تواند پاسخگوی همه درجات و انواع عیب باشد. در مواردی فسخ ضروری است، در مواردی تعمیر یا تعویض مناسب‌تر است و در مواردی کاهش ثمن بهترین راهکار محسوب می‌شود. چنین ساختاری از مفهوم «سلسله‌مراتب خشک» ضمانت‌اجراها فاصله گرفته و به سوی «تناسب راهکار با نقض» حرکت می‌کند.

این پژوهش نیز مقررات ضمان عیب مصر را بر محور عیب قدیم، پنهان و مؤثر و آثار آن شامل فسخ، تقلیل ثمن و خسارت تکمیلی سازمان‌دهی کرده است. همچنین در ساختار فصل مربوط به حقوق مصر، تقلیل ثمن به صورت مستقل از حیث ماهیت، ارتباط با خسارت و قابلیت جمع

با سایر ضمانت‌اجراها بررسی شده است. این سازمان‌دهی نشان می‌دهد که تقلیل ثمن در حقوق مصر تنها یک فرمول محاسباتی نیست، بلکه در شبکه‌ای از قواعد درباره حسن نیت، مسئولیت قراردادی، تناسب ضمانت‌اجرا، حمایت از خریدار و حفظ تعادل اقتصادی قرارداد قرار دارد. همین ویژگی است که مقایسه آن با ارش در حقوق ایران را از یک مقایسه صرفاً اصطلاحی فراتر می‌برد.

تحلیل تطبیقی ساختار ضمان عیب و تقلیل ثمن در حقوق ایران و مصر

مطالعه تطبیقی حقوق ایران و مصر نشان می‌دهد که هر دو نظام در نقطه آغاز با مسئله‌ای مشابه مواجه‌اند: موضوع معامله باید دارای سطحی از سلامت، کارایی و ارزش باشد که طرفین بر مبنای آن قرارداد را منعقد کرده‌اند و هرگاه عیب پنهانی این تعادل را برهم زند، خریدار باید از حمایت حقوقی برخوردار شود. با وجود این اشتراک، شیوه سازمان‌دهی ضمانت‌اجراها در دو نظام متفاوت است. حقوق ایران مسئله را عمدتاً از دریچه «خیار عیب» می‌بیند و ارش را در کنار حق فسخ قرار می‌دهد، در حالی که حقوق مصر ضمان عیب را در قالب نظام گسترده‌تری از تعهدات فروشنده و ابزارهای جبران عدم انطباق تنظیم کرده است. بررسی تطبیقی ارش و ضمان در دو کشور نیز نشان داده است که تفاوت بنیادی در میزان پیوند هر نهاد با قواعد عمومی مسئولیت قراردادی قرار دارد (El-Awadi, 2020). در ایران، ارش هنوز بیشتر در چهارچوب قواعد خاص بیع و خیار تحلیل می‌شود، اما در مصر تقلیل ثمن قابلیت بیشتری برای ارتباط با تعهد به اجرای صحیح قرارداد و جبران کاهش ارزش دارد (Khaleel, 2020).

از حیث مبنا، نظام ایران پیوند نزدیک‌تری با فقه امامیه دارد. ساختار خیار عیب، انتخاب میان رد و ارش و قواعد محاسبه ارش، از سنت فقهی وارد قانون مدنی شده است. این پیشینه تاریخی سبب شده است که بسیاری از تحلیل‌ها ارش را یک حکم خاص و حتی استثنایی تلقی کنند. در مقابل، نظام مصر اگرچه از مبانی فقه اسلامی متأثر است، در فرایند تقنین مدرن تحت تأثیر حقوق مدنی اروپایی و نظریه‌های جدید قرارداد نیز قرار گرفته است. تحول ضمانت‌اجراها در مصر نشان می‌دهد که نظام این کشور تلاش کرده است مفاهیم سنتی ضمان را با نظریه تعادل قراردادی و عدالت جبرانی هماهنگ سازد (Mansour, 2021). از همین جهت، مبنای تقلیل ثمن در مصر کمتر به عنوان یک «استثنای تاریخی» و بیشتر به عنوان «واکنش طبیعی به اجرای ناقص» قابل تحلیل است.

با این حال، نباید تفاوت مبانی تاریخی را به معنای تعارض کامل اهداف دو نهاد دانست. هم ارش و هم تقلیل ثمن در نهایت به دنبال اصلاح عدم تعادل ناشی از کاهش ارزش مورد معامله‌اند. هر دو نهاد اجازه می‌دهند قرارداد بدون ضرورت فسخ باقی بماند و خریدار جبرانی متناسب با نقصان دریافت کند. بنابراین، از حیث کارکرد اقتصادی شباهت قابل توجهی وجود دارد. تحلیل اقتصادی تقلیل ثمن در مقایسه ایران و مصر نشان داده است که هر دو ابزار می‌توانند هزینه‌های انحلال قرارداد را کاهش داده و تخصیص کارآمدتری از ریسک عیب ایجاد کنند (Seidan, 2024). تفاوت اصلی در این است که حقوق مصر این کارکرد را آشکارتر در ساختار عمومی ضمانات قرار داده، در حالی که حقوق ایران آن را در قالب قواعد خاص خیار عیب محصور کرده است.

در زمینه مفهوم عیب نیز شباهت‌های بنیادی مشاهده می‌شود. هر دو نظام برای ایجاد ضمان، صرف وجود هرگونه تفاوت یا نقص را کافی نمی‌دانند و عیب باید از درجه‌ای از اهمیت برخوردار باشد که ارزش یا انتفاع مورد معامله را کاهش دهد. همچنین علم خریدار به عیب می‌تواند حق او را تحت تأثیر قرار دهد. اما در حقوق مصر، ادبیات معاصر و رویه قضایی توجه بیشتری به رابطه میان عیب پنهان و تعهد فروشنده به اطلاع‌رسانی نشان داده‌اند (Omar, 2021). در حقوق ایران نیز ظرفیت استفاده از قواعد مربوط به تدلیس، وصف و مسئولیت

قراردادی برای حمایت از خریدار وجود دارد، ولی این قواعد در ساختاری پراکنده قرار گرفته‌اند. بنابراین، یکی از تفاوت‌های مهم نه در اصل حمایت از خریدار، بلکه در میزان یکپارچگی قواعد مربوط به اطلاعات، عیب و جبران است.

از حیث زمان ایجاد عیب، هر دو نظام می‌کوشند ریسک را به دوره‌ای مرتبط سازند که فروشنده مسئول سلامت موضوع معامله بوده است. با این حال، زبان تقنینی و چارچوب تحلیلی مصر بر مفهوم ضمان فروشنده نسبت به عیب قدیم تمرکز روشن‌تری دارد. مقررات ضمان عیب در مصر، با تعیین شرایط قدیم بودن، پنهان بودن و مؤثر بودن عیب، ساختار نسبتاً منسجمی برای احراز مسئولیت ایجاد می‌کنند (Fahmy, 2024). در ایران نیز قواعد مشابهی وجود دارد، اما توزیع آنها در میان احکام خیار عیب و آثار عقد سبب می‌شود تصویر نظام‌مند ضمان کمتر آشکار باشد. این تفاوت ساختاری می‌تواند در آموزش حقوق، رویه قضایی و پیش‌بینی نتایج اختلافات نیز اثر بگذارد.

مهم‌ترین تفاوت در آثار عیب ظاهر می‌شود. در ایران، دو ضمانت‌اجرای کلاسیک، فسخ و ارش هستند. در مصر نیز فسخ و کاهش ثمن جایگاه مهمی دارند، اما رابطه آنها با جبران خسارت تکمیلی روشن‌تر در منظومه مسئولیت قراردادی قرار می‌گیرد. مقایسه فسخ و تقلیل ثمن نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی جدید به انتخاب ضمانت‌اجرای متناسب با شدت نقض توجه بیشتری دارند (Hassan, 2022). اگر عیب بنیادی باشد و هدف اصلی قرارداد را از بین ببرد، فسخ منطقی‌تر است؛ اما اگر خریدار همچنان بتواند از مال استفاده کند، تقلیل ثمن یا ارش راهکاری کم‌هزینه‌تر و متناسب‌تر محسوب می‌شود. در حقوق ایران نیز همین منطق عملاً وجود دارد، اما قواعد قانونی آن کمتر در قالب یک نظریه عمومی تناسب ضمانت‌اجراها بیان شده‌اند.

تفاوت دیگر در ماهیت مالی جبران است. فرمول ارش ایران بر نسبت قیمت مال سالم و معیوب و اعمال این نسبت بر ثمن قراردادی تکیه دارد. این شیوه به حفظ نسبت توافق‌شده طرفین کمک می‌کند، اما تعیین آن وابسته به کارشناسی است. در حقوق مصر نیز تقلیل ثمن باید کاهش واقعی ارزش یا منفعت مورد معامله را منعکس کند، ولی چارچوب تحلیلی آن بیشتر با نتیجه اقتصادی عدم انطباق ارتباط دارد. چالش تعیین ارزش در هر دو نظام وجود دارد. در ایران، مطالعات مربوط به نقش کارشناسی نشان داده‌اند که فقدان معیارهای یکسان می‌تواند به تفاوت‌های قابل توجه در میزان ارش منجر شود (Ghasemi, 2021). مشکلات رویه‌ای در دعاوی مربوط به اموال سرمایه‌ای نیز نشان‌دهنده همین مسئله است (Mirzaei, 2021). در مصر نیز اختیار قضایی در ارزیابی عیب و میزان تأثیر آن نقش مهمی ایفا می‌کند (Taha, 2023). بنابراین، تفاوت میان دو نظام نباید این واقعیت مشترک را پنهان کند که جبران کاهش ارزش ذاتاً نیازمند ارزیابی اقتصادی و قضایی است.

رابطه ارش و تقلیل ثمن با اصل لزوم نیز محل مقایسه مهمی است. در هر دو نظام می‌توان تصور کرد که کاهش ثمن نوعی تغییر در مفاد مالی قرارداد محسوب می‌شود؛ اما تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که هدف این نهادها حفظ قرارداد است، نه تضعیف آن. اگر قرارداد بر مبنای مالی سالم منعقد شده باشد، اجرای آن بدون اصلاح ثمن پس از کشف عیب در واقع به معنای تحمیل نتیجه‌ای متفاوت از انتظار اولیه است. مطالعه ابزارهای تعدیل قرارداد در ایران و مصر نشان داده است که تعدیل محدود و هدفمند می‌تواند به جای تعارض با اصل لزوم، ابزار تحقق عادلانه‌تر آن باشد (Mir Mohammad Sadeghi, 2020). از این منظر، ارش و تقلیل ثمن هر دو سازوکاری برای «حفظ قرارداد از طریق اصلاح نتیجه اقتصادی» هستند.

با وجود این، میزان استقلال دو نهاد متفاوت است. ارش در حقوق ایران به‌طور سنتی به وجود خیار عیب وابسته است. بنابراین، پرسش از امکان استفاده از سازوکار مشابه در تخلف از وصف، نقص جزئی اجرای تعهد یا سایر موارد عدم انطباق همچنان با تردید روبه‌روست. در مقابل، حقوق مصر ظرفیت بیشتری برای تحلیل تقلیل ثمن در ارتباط با نظام عمومی جبران و عدم اجرای تعهد دارد. مطالعه جدید درباره

یکپارچه‌سازی ضمانت‌اجراهای کالای معیوب با مسئولیت قراردادی، همین تفاوت را مورد انتقاد قرار داده و بر ضرورت کاهش مرزهای سخت میان ضمانت‌اجراهای خاص و قواعد عمومی تأکید کرده است (Farahmand & Kashefi, 2025). این رویکرد می‌تواند برای حقوق ایران الهام‌بخش باشد؛ بدون آنکه ضرورتاً به معنای تعمیم نامحدود ارش به همه تخلفات قراردادی باشد.

در حوزه حسن نیت نیز تفاوت قابل توجه است. در مصر، حسن نیت در تفسیر مسئولیت فروشنده، افشای عیب و محدودیت‌های قراردادی ضمان جایگاه فعال‌تری پیدا کرده است (Badawi, 2022). در ایران اگرچه اصل حسن نیت به شکل صریح و فراگیر در قانون مدنی تنظیم نشده، بسیاری از قواعد موجود را می‌توان در جهت حمایت از اعتماد مشروع و منع رفتار متناقض تفسیر کرد. توسعه نظریه حسن نیت می‌تواند به انسجام قواعد عیب، تدلیس، وصف و مسئولیت قراردادی کمک کند، ولی این امر نیازمند احتیاط است تا به گسترش نامحدود اختیار قضایی منجر نشود.

یکی از نقاط قوت حقوق مصر، تحول رویه قضایی در جهت استفاده انعطاف‌پذیرتر از ضمانت‌اجراهاست. بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که دادگاه‌های مصر در برخورد با کالاهای معیوب به سمت رویکرد ترمیمی حرکت کرده‌اند و تلاش دارند میان حفظ قرارداد و حمایت مؤثر از زیان‌دیده تعادل برقرار کنند (Haleeb, 2025). این تحول با هدف عدالت جبرانی در مقررات ضمان عیب نیز هماهنگ است (Fahmy, 2024). در مقابل، حقوق ایران به دلیل اتکای بیشتر بر طبقه‌بندی‌های سنتی خیارات ممکن است در برخی موارد با محدودیت تفسیری مواجه شود. البته مزیت ساختار ایران، وجود چارچوب نسبتاً دقیق برای محاسبه ارش و تفکیک موارد سقوط فسخ و ارش است؛ بنابراین، الگوبرداری از مصر نباید به حذف این دقت‌های فنی بینجامد.

پیش‌بینی‌پذیری نیز معیار مهم دیگری برای ارزیابی دو نظام است. تقنین منظم ضمان عیب در مصر موجب شده است که مجموعه‌ای نسبتاً روشن از شرایط و آثار شکل گیرد (Metwally, 2020). با این حال، افزایش نقش دادگاه‌ها در تفسیر معیارهایی مانند اهمیت عیب، حسن نیت و تناسب ضمانت‌اجرا می‌تواند دامنه اختیار قضایی را گسترش دهد. در ایران، مشکل متفاوت است: قواعد قانونی نسبتاً مشخص‌اند، اما محدودیت قلمرو ارش و عدم قطعیت درباره رابطه آن با خسارات عمومی می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری را کاهش دهد (Jafarimanesh, 2020). بنابراین، هر دو نظام با نوع متفاوتی از مسئله پیش‌بینی‌پذیری روبه‌رو هستند؛ مصر باید میان انعطاف و ثبات تعادل ایجاد کند و ایران باید میان وفاداری به ساختار سنتی و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید هماهنگی برقرار سازد.

رابطه کاهش ثمن با خسارت تکمیلی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که حقوق ایران می‌تواند از تجربه مصر بهره گیرد. ارش اساساً بر کاهش ارزش خود مال متمرکز است، در حالی که عیب ممکن است خسارات فراتر از آن ایجاد کند. اگر این دو نوع زیان از یکدیگر تفکیک نشوند، یا خریدار کمتر از زیان واقعی جبران می‌شود یا خطر جبران مضاعف ایجاد می‌گردد. در حقوق مصر، تلاش برای هماهنگی ضمان عیب با مسئولیت قراردادی امکان تفکیک روشن‌تر این دو سطح را ایجاد کرده است (El-Dahshan, 2023). در حقوق ایران نیز می‌توان ارش را جبران کاهش ارزش موضوع معامله دانست و سایر زیان‌های مستقیم و قابل انتساب را تابع قواعد عمومی مسئولیت قراردادی قرار داد. چنین الگویی ضمن حفظ ماهیت خاص ارش، از تبدیل آن به نهادی جامع و نامعین جلوگیری می‌کند.

اصل منع دارا شدن بلاسبب نیز در تحلیل تطبیقی اهمیت دارد. تقلیل ثمن از این جهت قابل توجیه است که فروشنده نباید عوض کامل مالی سالم را حفظ کند، در حالی که مالی با ارزش کمتر تحویل داده است (Safwat, 2019). همین منطق در ارش نیز قابل مشاهده است، هرچند

ادبیات حقوق ایران بیشتر بر قواعد فقهی و عدالت معاوضی تأکید دارد. این اشتراک نشان می‌دهد که در ورای تفاوت اصطلاحات، هر دو نهاد به یک مسئله بنیادین پاسخ می‌دهند: چگونه باید سود و زیان ناشی از عدم انطباق مورد معامله میان طرفین توزیع شود؟

تجربه تطبیقی حقوق فرانسه نیز که بر هر دو بحث اثر گذاشته، مؤید حرکت به سمت تنوع ضمانت‌اجراهاست. مطالعه ضمانت‌اجراهای عیب در مصر و فرانسه نشان می‌دهد که نظام‌های مدرن قراردادها تمایل دارند به جای وابستگی کامل به فسخ، گزینه‌های متناسب‌تری مانند کاهش ثمن را در اختیار خریدار قرار دهند (Saleh, 2019). این تحول نه تنها با حمایت از خریدار، بلکه با حفظ ارزش اقتصادی قرارداد ارتباط دارد. در حقوق ایران نیز ارش از ابتدا ظرفیت چنین نقشی را داشته است، اما محدود ماندن آن در خیار عیب مانع توسعه کامل این کارکرد شده است.

موضوع دیگری که باید در مقایسه لحاظ شود، تمایز میان عیب و استحقاق مبیع برای غیر است. هر دو حوزه به ناکامی فروشنده در تأمین وضعیت حقوقی یا مادی مورد انتظار خریدار مربوط می‌شوند، اما آثار آنها یکسان نیست. بررسی احکام استحقاق مبیع در فقه اسلامی و حقوق مدنی مصر نشان می‌دهد که حقوق مصر در سامان‌دهی انواع مختلف ضمان فروشنده از ساختاری نسبتاً منسجم برخوردار است (Haliba, 2025). این امر اهمیت آن را نشان می‌دهد که ضمان عیب نباید به صورت جزیره‌ای و جدا از سایر تعهدات اصلی فروشنده بررسی شود. در حقوق ایران نیز می‌توان با حفظ تمایزهای فنی میان ضمان درک، عیب، تخلف وصف و سایر موارد، آنها را در سطحی بالاتر زیر مفهوم «عدم انطباق اجرای قرارداد» تحلیل کرد.

در این چارچوب، توسعه ارش نباید به معنای تبدیل آن به ضمانت‌اجرای خودکار در هر نوع تخلف قراردادی باشد. شرط اصلی باید وجود کاهش قابل سنجش در ارزش یا منفعت موضوع تعهد باشد. در مواردی که تخلف ماهیت متفاوتی دارد، مانند تأخیر در اجرا، عدم انجام کامل خدمت یا نقض تعهدات جانبی، قواعد دیگری ممکن است مناسب‌تر باشند. از این رو، الگوی قابل اقتباس از مصر بیش از آنکه «تعمیم لفظ تقلیل ثمن» باشد، «پذیرش منطق تناسب و حفظ قرارداد» است. چنین تحولی می‌تواند ارش را از یک استثنای مبهم به نهادی با مبنا و قلمرو روشن تبدیل کند و در عین حال مانع گسترش کنترل‌نشده آن شود. نقدهای معاصر بر ارش و مدل مصر نیز بر همین ضرورت تأکید دارند که ادغام ضمانت‌اجراهای عیب با مسئولیت قراردادی باید بر اساس معیارهای روشن صورت گیرد و نباید مرزهای مفهومی میان کاهش ثمن، خسارت و فسخ از بین برود (Farahmand & Kashefi, 2025).

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی ساختار ضمان عیب و تقلیل ثمن در حقوق ایران و مصر نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی، با وجود تفاوت در مبانی تاریخی و شیوه تقنین، در پی پاسخ به یک مسئله مشترک‌اند: هنگامی که موضوع معامله به سبب وجود عیب از حیث ارزش، کیفیت یا قابلیت انتفاع با آنچه مورد انتظار طرفین بوده انطباق ندارد، چگونه باید تعادل اقتصادی قرارداد را بازسازی کرد؟ پاسخ سنتی می‌تواند انحلال قرارداد از طریق فسخ باشد، اما فسخ همواره مناسب‌ترین و کارآمدترین واکنش نیست. در بسیاری از موارد، موضوع معامله همچنان برای خریدار قابل استفاده است و تنها ارزش یا منفعت آن کاهش یافته است. در چنین وضعیتی، راهکاری که قرارداد را حفظ و در عین حال عدم تعادل اقتصادی را جبران کند، با نیازهای تجارت و منطق قراردادهای معوض سازگاری بیشتری دارد. ارش در حقوق ایران و تقلیل ثمن در حقوق مصر هر دو چنین کارکردی را ایفا می‌کنند، اما جایگاه ساختاری آنها در دو نظام متفاوت است.

در حقوق ایران، ارش در بستر خیار عیب و بر اساس سنت فقه امامیه وارد قانون مدنی شده است. قانونگذار به خریدار مال معیوب اجازه می‌دهد در صورت تحقق شرایط قانونی، میان فسخ معامله و نگهداری مبیع همراه با اخذ ارش انتخاب کند. این ساختار از یک جهت پیشرفته است؛ زیرا از ابتدا امکان حفظ قرارداد را در کنار انحلال آن پذیرفته است. با این حال، ارتباط نزدیک ارش با خیار عیب سبب شده است که جایگاه آن به‌عنوان یک سازوکار مستقل جبران کاهش ارزش به‌طور کامل توسعه نیابد. اختلاف درباره اینکه ارش بخشی از ثمن، غرامت، اجرای ناقص تعهد یا وسیله بازگرداندن تعادل معاوضی است، نتیجه همین ابهام نظری است. این اختلاف نه تنها ماهیتی نظری دارد، بلکه بر نحوه تعیین میزان ارش، قلمرو اعمال آن و رابطه آن با سایر خسارات اثر مستقیم می‌گذارد.

شیوه محاسبه ارش در حقوق ایران نشان می‌دهد که قانونگذار در عمل به دنبال حفظ نسبت اقتصادی مورد توافق طرفین است. مقایسه قیمت مال سالم و معیوب و انعکاس نسبت حاصل در ثمن قراردادی، بیانگر آن است که هدف صرفاً جبران یک زیان مجرد نیست، بلکه باید تعادل میان عوض و معوض با رعایت توافق اولیه طرفین بازسازی شود. همین ویژگی می‌تواند مبنای بازخوانی ماهیت ارش باشد. ارش را می‌توان ضمانت‌اجرایی دانست که در صورت کاهش ارزش مورد معامله، امکان اجرای تعدیل‌شده قرارداد را فراهم می‌کند. چنین تحلیلی از یک سو با اصل لزوم سازگار است، زیرا عقد را حفظ می‌کند و از سوی دیگر عدالت معاوضی را تأمین می‌نماید، زیرا خریدار را مجبور نمی‌کند ثمن کامل را در برابر مالی با ارزش کمتر تحمل کند.

در حقوق مصر، ضمان عیب در ساختاری منسجم‌تر از تعهدات فروشنده قرار گرفته است. عیب باید اصولاً قدیم، پنهان و مؤثر باشد و میان عیب و کاهش ارزش یا منفعت مورد معامله رابطه معناداری وجود داشته باشد. در این چارچوب، تقلیل ثمن به عنوان یکی از ابزارهای واکنش به اجرای معیوب قرارداد عمل می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این نهاد آن است که ضرورتاً به عنوان استثنایی بر اصل لزوم تصور نمی‌شود، بلکه می‌تواند وسیله‌ای برای اجرای عادلانه‌تر قرارداد باشد. خریدار مالی را که هنوز برای او مطلوبیت دارد نگه می‌دارد، اما بار مالی معامله متناسب با ارزش واقعی دریافتی تعدیل می‌شود. در نتیجه، اصل قرارداد و سرمایه‌گذاری طرفین در آن حفظ می‌شود و در عین حال عدم تعادل اقتصادی ناشی از عیب بدون نیاز به فسخ کامل اصلاح می‌گردد.

مقایسه دو نظام نشان داد که تفاوت اصلی میان ارش و تقلیل ثمن کمتر در کارکرد نهایی و بیشتر در جایگاه نظری و ساختاری آنهاست. ارش در ایران با نظام خاص خیارات پیوند نزدیک دارد، در حالی که تقلیل ثمن در مصر ارتباط روشن‌تری با نظام عمومی ضمانات قراردادی، اجرای ناقص و جبران عدم انطباق پیدا کرده است. این تفاوت سبب می‌شود حقوق مصر انعطاف بیشتری در هماهنگ کردن کاهش ثمن با سایر ضمانت‌اجراها داشته باشد. در مقابل، حقوق ایران از قواعد فقهی و قانونی دقیقی درباره خیار عیب و نحوه محاسبه ارش برخوردار است، اما این دقت درون یک قلمرو محدود باقی مانده و هنوز به نظریه‌ای جامع درباره جبران کاهش ارزش در قراردادها تبدیل نشده است.

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که رابطه میان ارش و خسارت باید به صورت روشن‌تری تبیین شود. ارش ناظر به کاهش ارزش خود موضوع معامله است و نباید ضرورتاً تمامی خسارات ناشی از عیب را دربرگیرد. ممکن است عیب علاوه بر کاهش ارزش مبیع، خسارات مستقلی مانند هزینه تعمیر، توقف فعالیت، از دست رفتن منفعت قابل اثبات یا آسیب به اموال دیگر ایجاد کند. در چنین مواردی، تفکیک میان «جبران کاهش ارزش موضوع معامله» و «جبران خسارات تبعی ناشی از نقض» می‌تواند نظام حقوقی را منسجم‌تر کند. ارش باید کارکرد نخست را ایفا کند و خسارات مازاد، در صورت تحقق شرایط لازم، بر اساس قواعد عمومی مسئولیت قراردادی بررسی شود. این تفکیک مانع از آن می‌شود که ارش به نهادی نامحدود تبدیل شود و در عین حال از ناقص ماندن جبران زیان نیز جلوگیری می‌کند.

از دیگر نتایج مهم، ضرورت تقویت معیارهای ارزیابی اقتصادی عیب است. تعیین ارش و تقلیل ثمن صرفاً عملیات مکانیکی نیست، زیرا ارزش مال سالم و معیوب باید در شرایط واقعی بازار سنجیده شود. نوع مال، زمان ارزیابی، شدت عیب، امکان تعمیر، هزینه رفع نقص، کاهش عمر مفید و تأثیر عیب بر کارکرد می‌توانند بر ارزیابی اثر بگذارند. بنابراین، نظام حقوقی باید معیارهای مشخص‌تری برای کارشناسان و دادگاه‌ها فراهم کند. هرچه این معیارها روشن‌تر باشند، تفاوت غیرقابل توجیه میان آرای قضایی کمتر و قابلیت پیش‌بینی معاملات بیشتر خواهد شد. در حقوق ایران، تدوین دستورالعمل‌ها یا رویه‌های منسجم درباره زمان و مبنای ارزیابی ارش می‌تواند یکی از مهم‌ترین اقدامات اصلاحی باشد.

همچنین، رابطه میان عیب و تعهد به اطلاع‌رسانی باید در حقوق ایران با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. در معاملات معاصر، به‌ویژه معاملات تخصصی، الکترونیکی و مصرفی، خریدار همواره توان بررسی کامل کالا را ندارد و فروشنده ممکن است از اطلاعاتی برخوردار باشد که برای تصمیم خریدار اهمیت اساسی دارد. اگر فروشنده عیب مهمی را می‌داند و آن را افشا نمی‌کند، مسئله فراتر از وجود یک نقص ساده است و به کیفیت رفتار قراردادی او مربوط می‌شود. توسعه قواعد مربوط به افشای اطلاعات، بدون آنکه همه مسئولیت‌ها به تقصیر وابسته شوند، می‌تواند مکمل نظام ضمان عیب باشد. در چنین ساختاری، ضمان پایه ناشی از وجود عیب همچنان می‌تواند بدون اثبات تقصیر اعمال شود، اما سوءنیت یا کتمان آگاهانه فروشنده می‌تواند آثار شدیدتری در زمینه خسارات و اعتبار شروط محدودکننده مسئولیت داشته باشد.

تجربه مصر همچنین نشان می‌دهد که حفظ قرارداد باید به عنوان یکی از اهداف مستقل سیاست حقوق قراردادها مورد توجه قرار گیرد. فسخ ضروری است، اما نباید نخستین و تنها پاسخ به هرگونه عدم انطباق باشد. هرگاه هدف اصلی قرارداد همچنان قابل تحقق است و نقص را می‌توان از طریق کاهش متناسب عوض جبران کرد، حفظ عقد می‌تواند منافع اقتصادی بیشتری برای طرفین و جامعه ایجاد کند. این رویکرد با اصل لزوم نیز هماهنگی دارد و مانع از آن می‌شود که نقض‌های جزئی یا متوسط به انحلال معاملاتی بینجامند که بخش عمده اهداف آنها تحقق یافته است.

با این حال، استفاده از تجربه مصر نباید به پذیرش بدون قید و شرط توسعه ارش در تمام موارد نقض قرارداد منجر شود. تقلیل ثمن ماهیتاً برای وضعیتی مناسب است که بتوان کاهش ارزش یا منفعت موضوع تعهد را به شکل معقول و قابل اندازه‌گیری ارزیابی کرد. در مواردی مانند تأخیر در اجرای تعهد، نقض تعهد به عدم انجام عمل، یا تخلفاتی که ارتباط مستقیمی با ارزش موضوع قرارداد ندارند، ضمانت‌اجراهای دیگری ممکن است مناسب‌تر باشند. بنابراین، توسعه ارش باید بر مبنای معیار «کاهش قابل سنجش ارزش یا منفعت مورد قرارداد» صورت گیرد و نه صرف وقوع هر نوع تخلف.

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان پیشنهاد کرد که قانونگذار ایران ضمن حفظ قواعد فعلی خیار عیب، جایگاه ارش را با صراحت بیشتری به عنوان وسیله جبران کاهش ارزش موضوع قرارداد شناسایی کند. چنین اصلاحی می‌تواند ابتدا در موارد نزدیک به خیار عیب، مانند برخی مصادیق تخلف وصف یا عدم انطباق کیفی، اعمال شود و سپس بر اساس تجربه قضایی توسعه یابد. همچنین ضروری است رابطه ارش با فسخ، تعمیر، تعویض، اجرای عین تعهد و خسارت تکمیلی به صورت روشن تعیین گردد. هدف این اصلاح نباید افزایش بی‌حد ضمانت‌اجراها باشد، بلکه باید ایجاد نظامی منسجم باشد که برای هر نوع اختلال قراردادی، واکنشی متناسب پیش‌بینی کند.

در نهایت، مطالعه تطبیقی حقوق ایران و مصر نشان می‌دهد که ارش و تقلیل ثمن را می‌توان دو صورت از یک اندیشه مشترک دانست: قرارداد زمانی عادلانه اجرا می‌شود که میان آنچه هر طرف می‌دهد و آنچه دریافت می‌کند تناسب قابل قبول باقی بماند. اگر عیب این تناسب را مختل

کند، حقوق باید بتواند بدون الزام همیشگی به انحلال قرارداد، این عدم تعادل را اصلاح نماید. نظام ایران ابزار تاریخی و فقهی لازم برای چنین اصلاحی را در قالب ارش در اختیار دارد و نظام مصر نمونه‌ای از توسعه گسترده‌تر همین منطق در قالب ضمان عیب و تقلیل ثمن ارائه می‌دهد. بازخوانی ارش بر اساس کارکرد جبرانی و تعادلی آن، تفکیک روشن آن از خسارات تکمیلی، تعیین معیارهای دقیق ارزیابی و استفاده کنترل‌شده از آن در موارد مشابه می‌تواند گامی در جهت افزایش انسجام حقوق قراردادهای ایران، حمایت متوازن از طرفین و تقویت ثبات معاملات باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The legal treatment of defective performance constitutes one of the central issues in the law of commutative contracts because the existence of a defect may disturb the economic equilibrium assumed by the parties at the time of contracting and reduce the value, utility, or expected functionality of the subject matter. Legal systems therefore need remedies capable of addressing this disturbance without necessarily requiring the complete dissolution of the contractual relationship. In Iranian law, the traditional response to defects is primarily organized through the doctrine of *khiyar al-ʿayb* (option for defect), under which the buyer may, subject to the statutory requirements, rescind the transaction or retain the defective subject matter and claim *arsh*. The Iranian Civil Code thus places *arsh* within the specific legal framework of the option for defect rather than expressly recognizing it as a general mechanism for correcting economic imbalance in contracts (Katouzian, 2020b). This structure reflects the close historical relationship between Iranian private law and Imamiyya jurisprudence, in which the remedial consequences of defects developed within the broader doctrine of options. Nevertheless, the legal nature of *arsh* remains controversial. It has variously been characterized as restitution of a portion of the price, compensation for the diminution in value of the defective object, a form of contractual liability, or a mechanism for implementing the economic equivalence originally contemplated by the parties (Eskandari, 2022). Jurisprudential and legal analyses likewise indicate that the conceptual foundations of *arsh* cannot be adequately understood without examining the relationship between the defect, the seller's contractual undertaking, and the proportionality between reciprocal performances (Mousavi, 2021). This uncertainty is not merely theoretical because the characterization of *arsh* directly affects its scope, calculation, relationship with damages, and potential application beyond the traditional boundaries of the option for defect. The economic consequences of this conceptual uncertainty are particularly significant in commercial transactions because unpredictable rules governing compensation for defective goods may increase litigation costs and reduce contractual certainty (Jafarimanesh, 2020). Accordingly, the contemporary importance of *arsh* lies not only in its traditional function as an alternative to rescission but also in its potential capacity to preserve contracts while correcting the economic consequences of defective performance.

Egyptian law provides a particularly useful comparative model because its system of warranty against defects emerged from the interaction between Islamic legal traditions and modern civil-law codification. The Egyptian Civil Code regulates the seller's warranty against latent defects through a framework that treats defective performance as part of the seller's contractual obligations and provides remedies designed to restore the economic balance of the exchange (El-Hefny, 2021). The historical evolution of contractual remedies in Egypt demonstrates a gradual movement from a narrowly traditional conception of warranty toward a broader understanding centered on contractual balance, good faith, and compensatory justice (Mansour, 2021). Within this framework, price reduction performs a function comparable in some respects to *arsh* because it permits the buyer to retain the defective property while adjusting the financial consequences of the contract in accordance with the reduced value of what was actually received. Unlike an exclusively rescissory model, price reduction provides an intermediate remedy between full enforcement without compensation and complete termination of the contract. Comparative analysis of rescission and price abatement suggests that such a remedy is especially appropriate where the defect does not fundamentally frustrate the contractual purpose but nevertheless causes a measurable reduction in the value or utility of the subject matter (Hassan, 2022). Egyptian law also places greater emphasis on the relationship between warranty obligations, disclosure duties, and the legitimate informational expectations of the buyer. The seller's duty to disclose relevant defects is particularly important where informational asymmetry prevents the buyer from detecting defects through ordinary examination (Omar, 2021). Good faith has accordingly acquired an important interpretive role in warranty disputes, influencing the assessment of contractual conduct, concealment of defects, and the enforceability of limitations on liability (Badawi, 2022). Moreover, modern Egyptian legal scholarship increasingly treats the warranty against defects as a component of a wider system of contractual protection rather than as an isolated exception to contractual binding force (Fahmy, 2024). This difference in conceptual organization makes Egyptian law especially valuable for evaluating whether Iranian *arsh* can be reconstructed as a more coherent mechanism for the preservation of contractual equilibrium.

This study employed a descriptive-analytical and comparative legal methodology to examine the structure, foundations, conditions, and effects of warranty against defects and the corresponding mechanisms of *arsh* and price reduction in Iranian and Egyptian law. The analysis focused on the legal structure of the Iranian Civil Code concerning the option for defect and *arsh*, the jurisprudential foundations underlying those provisions, and the doctrinal debates concerning the nature of the compensation awarded for defective performance. Particular attention was given to the distinction between *arsh* as a proportionate adjustment of the contractual exchange and damages as compensation for losses extending beyond the diminished value of the subject matter. The Egyptian dimension of the study examined the statutory structure governing warranty against latent defects, with emphasis on the requirements that the defect be pre-existing, latent, and sufficiently material to affect the value or intended use of the sold property, together with the consequences of such defects for rescission, price reduction, and supplementary compensation. Egyptian scholarship indicates that these requirements are not merely technical elements but constitute a framework for allocating contractual risk between the seller and buyer (Fahmy, 2024). The study also considered the role of judicial discretion in determining whether a defect is sufficiently serious and in assessing the appropriate financial response to defective performance. Comparative studies of latent-defect disputes demonstrate that judicial evaluation plays a substantial role in both Iranian and Egyptian law, particularly where the economic effect of the defect cannot be determined mechanically (Taha,

2023). In Iranian law, expert assessment is especially important in calculating the difference between the value of sound and defective property and in translating that difference into the amount of *arsh* payable under the contractual price (Ghasemi, 2021). Difficulties arising from expert valuation, especially in disputes involving capital goods and fluctuating market values, further demonstrate that *arsh* is not simply a predetermined arithmetic remedy but requires legal and economic evaluation (Mirzaei, 2021). The comparative method therefore sought not merely to identify textual similarities and differences but to explain the different structural logics through which the two systems attempt to restore contractual equilibrium after defective performance.

The findings demonstrate that Iranian and Egyptian law share an important substantive objective but differ significantly in the conceptual architecture through which that objective is pursued. In both systems, a defect capable of substantially reducing the value or utility of the subject matter may justify legal intervention, and the buyer's prior knowledge of the defect generally limits the availability of protective remedies. Both systems also recognize the importance of distinguishing serious defects from insignificant imperfections and of allocating the risk of defects according to the stage at which the defect existed. Nevertheless, Iranian law organizes these rules primarily within the doctrine of the option for defect, whereas Egyptian law places them more directly within the seller's warranty obligations. Comparative scholarship has consequently observed that Iranian *arsh* remains more closely attached to the traditional law of options, while Egyptian price reduction has developed a stronger relationship with general contractual remedies and the concept of defective performance (El-Awadi, 2020). This structural difference becomes especially significant when the economic purpose of the remedy is considered. In Iran, *arsh* is calculated through a proportional method that compares the value of sound and defective property and applies the resulting ratio to the contractual price. This technique respects the price originally agreed upon by the parties and attempts to restore proportionality between their reciprocal performances. However, uncertainty surrounding the conceptual nature and possible extension of *arsh* has generated difficulties concerning predictability and consistency in commercial transactions (Jafarimanesh, 2020). Egyptian price reduction, by contrast, is more readily analyzed as a remedial response to diminished contractual performance and is therefore conceptually closer to a general mechanism for preserving the contract while correcting its economic consequences (Khaleel, 2020). Economic analysis supports this preference for proportional adjustment in cases where rescission would impose unnecessary transaction costs, require restitution, or destroy a contractual relationship that remains economically useful despite the defect (Seidan, 2024). The fundamental distinction is therefore not that one system recognizes compensation while the other does not; rather, the difference lies in the degree to which compensation for diminished value is integrated into the general law of contractual remedies.

A further finding concerns the relationship between price adjustment and supplementary damages. A defect may generate two analytically distinct forms of loss: first, the reduction in the value of the contractual performance itself and, second, consequential losses resulting from the defect, such as repair expenses, disruption of commercial activity, damage to other property, or other directly attributable losses. Iranian *arsh* primarily addresses the first category by correcting the diminished value of the subject matter, but the relationship between *arsh* and general contractual damages has not always been articulated with sufficient clarity. Recent scholarship has therefore criticized rigid separation between remedies for defective goods and the general principles of contractual liability and has called for a more integrated system in which each remedy performs a clearly defined function (Farahmand & Kashefi, 2025). Egyptian law provides a more developed basis for distinguishing

between price reduction as a response to diminished value and additional damages arising from contractual fault or other compensable consequences of the defect (El-Dahshan, 2023). The development of Egyptian judicial practice also indicates an increasing preference for restorative and proportionate remedies rather than automatic reliance on termination (Haleeb, 2025). This orientation is compatible with the broader principle that the intensity of the remedy should correspond to the seriousness and consequences of the defective performance. The doctrine of unjustified enrichment also offers a supplementary justification for price reduction, since permitting the seller to retain the full price of sound property despite having delivered property of substantially lower value may create an unjustifiable economic imbalance (Safwat, 2019). At the same time, comparative experience demonstrates that price reduction should not be transformed into an unlimited remedy applicable to every contractual breach. Its most coherent field of operation is where a measurable decrease in the value or utility of the contractual performance can be identified. Codification and doctrinal clarification are therefore essential for ensuring predictability while preserving sufficient judicial flexibility to address the diversity of defective-performance disputes (Metwally, 2020). Comparative experience from Egyptian and French law likewise confirms the broader movement toward a differentiated remedial system in which rescission, price reduction, repair, replacement, and damages are selected according to the nature and severity of the non-performance rather than treated as interchangeable responses (Saleh, 2019).

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that *arsh* in Iranian law and price reduction in Egyptian law are functionally related mechanisms aimed at correcting the economic imbalance created by defective performance while allowing the underlying contract to remain in force. Their principal difference lies not in their ultimate remedial purpose but in their doctrinal location and degree of integration with the general law of contractual liability. Iranian law possesses a sophisticated traditional mechanism for proportionately calculating *arsh*, but its close association with the option for defect has restricted the development of a broader theory of compensation for diminished contractual value. Egyptian law provides a more integrated model in which warranty against defects, price adjustment, supplementary damages, disclosure obligations, and contractual balance interact within a wider remedial framework. The comparative findings support a reconstruction of *arsh* in Iranian law as a specific mechanism for compensating measurable diminution in the value or utility of contractual performance rather than as either a purely exceptional rule or an all-purpose form of damages. Such a reconstruction would preserve the jurisprudential foundations of Iranian private law while clarifying the distinction between the reduction of the contractual price and compensation for consequential losses. It would also permit a more coherent relationship between rescission and preservation of the contract by making the severity of the defect and the continuing usefulness of the transaction central to remedial choice. Legislative or interpretive reform should therefore clarify the legal nature of *arsh*, establish more consistent criteria for valuation, distinguish it explicitly from supplementary contractual damages, and consider its controlled application to closely analogous cases of qualitative non-conformity where the diminution in value can be objectively assessed. The Egyptian experience should not be reproduced mechanically, because the historical and doctrinal foundations of the two systems differ, but it provides a useful model for organizing remedies around proportionality, contractual preservation, economic equilibrium, and effective compensation. Such an approach can strengthen doctrinal coherence, reduce unnecessary rescission, improve predictability in defective-goods disputes, and adapt the Iranian law of remedies to the requirements of contemporary contractual and commercial relations.

References

Badawi, E. M. (2022). *Good Faith Doctrine and Its Impact on Warranty Obligations in Commercial Contracts: Egyptian Judicial Practice*. Global Law Publishing.

El-Awadi, N. (2020). A Comparative Analysis between the Concept of Arsh in Iran and the Warranty under the Egyptian Civil Code. *International Review of Contract Law*, *48*(1), 201-225.

El-Dahshan, A. (2023). *Harmonizing Contractual Fault with Civil Liability: Lessons from Egyptian Case Law*. Alexandria Bar Association Press.

El-Hefny, A. (2021). *The Civil Code of Egypt and Modern Contractual Guarantees*. Cairo University Press.

Eskandari, F. (2022). *A Comparative Study of the Legal Nature of Arsh in Imamiyya Jurisprudence and Iranian and French Law* University of Tehran, Faculty of Law and Political Science].

Fahmy, A. (2024). The Egyptian Civil Code's Comprehensive Provisions on Warranty for Defects and Compensatory Justice. *The Egyptian Law Review*, *15*(2), 45-68.

Farahmand, F., & Kashefi, R. (2025). Integrating the Law of Defective Goods Remedies with General Contractual Liability: A Critique of Arsh and Egyptian Models. *Journal of Middle Eastern Legal Studies*, *10*(1), 10-35.

Ghasemi, H. (2021). The Role of Expert Assessment and Judicial Discretion in Determining Damages Arising from Defective Goods. *Private Law Quarterly*, *2*(51), 301-322.

Haleeb, S. (2025). The Dynamic Approach of Egyptian Case Law in Defective Goods Remedies: A Shift towards Restorative Justice. *Cairo University Law Journal*, *50*(3), 78-99.

Haliba, S. A. a.-F. (2025). *Ahkam Istihqaq al-Mabi' lil-Ghayr fi al-Fiqh al-Islami wa al-Qanun al-Madani al-Misri wa al-Qatari*. Al-Dirayah Publications.

Hassan, R. (2022). Abatement of Price vs. Rescission: Analyzing the Remedial Choice for Defective Performance in Civil Law Systems. *Journal of Comparative Commercial Law*, *15*(3), 45-68.

Jafarimanesh, S. (2020). Economic Effects of Uncertainty in the Institution of Arsh on Commercial Transactions. *Private Law Research Quarterly*, *3*(50), 45-68.

Katouzian, N. (2020a). *The Civil Code in the Current Legal Order of Iran*. Mizan.

Katouzian, N. (2020b). *Civil Law: General Theory of Contracts*. Ganj-e Danesh Publications.

Khaleel, R. (2020). Arsh in Iranian Law versus Price Reduction in Egyptian Law: A Study on the Sufficiency of Remedies. *Journal of Comparative Legal Studies*, *12*(2), 150-175.

Mansour, K. (2021). *The Evolution of Contractual Remedies in Egypt: From Traditional Warranty to Modern Contractual Balance*. Cairo University Press.

Metwally, H. (2020). The Role of Legislative Codification in Achieving Predictability: A Post-Codification Analysis of the Egyptian Contracts Law. *Law and Legislation Journal*, *60*(4), 120-145.

Mir Mohammad Sadeghi, H. (2020). *The Effect of Contract Adjustment Instruments on Binding Force: A Comparative Study of Iranian and Egyptian Law*. Mizan Publications.

Mirzaei, M. (2021). Challenges of Judicial Practice in Determining Judicial Compensation: A Case Study of Arsh in Capital Goods Disputes. *Iran and World Comparative Law Journal*, *2*(15), 120-145.

Mousavi, S. A. (2021). *A Jurisprudential-Legal Study of Arsh in Options* Shahrekord University].

Omar, F. M. (2021). Buyer's Right to Information versus Seller's Duty of Disclosure: Comparative Perspectives on Defects. *Journal of Commercial and Maritime Law*, *28*(1), 55-78.

Safwat, L. (2019). The Role of Istihqaq Bila Sabab Doctrine in Shaping Price Reduction Mechanisms under Egyptian Law. *Private Law Studies*, *45*(3), 88-105.

Saleh, M. (2019). *Comparative Study of Remedies for Defective Goods in Egyptian and French Law*. Dar El-Nahda El-Arabia.

Seidan, H. (2024). Economic Underpinnings of Price Reduction: A Welfare Analysis Comparing Iran and Egypt. *International Review of Economic Law*, *10*(2), 190-210.

Shams, A. (2020). Analysis of the Nature of Compensation for Deficiency in Commutative Contracts: A Case Study of the Institution of Arsh. *Legal Research Journal*, *20*(45), 115-138.

Taha, A. (2023). Judicial Activity and Latent Defects: A Comparative View on Judicial Discretion in Iran and Egypt. *Arab Law Quarterly*, *37*(1), 22-40.